

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه پنجاه و هشتم، ۳ دی ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/قراردادهای آتی /مشروعیت تسویه حساب نقدی و غیر نقدی در قراردادهای آتی و غیرآتی در بورس

1- حدیث اخلاقی (بیانات استاد حفظه الله به مناسبت فاطمیه اول)

1.1. یکی از القاب حضرت فاطمه سلام الله علیها: محدّثه و محدّثه

«هم أهل بیت النبوة و معدن الرسالة هم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها[1]»

در آستانه ایام فاطمیه و شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها هستیم. بحث را متیمن می کنیم به مناقب و فضائل و ویژگی های حضرت زهرا سلام الله علیها. اگر قرار باشد یک خصلت از خصائص حضرت و ویژگی های حضرت بیان شود، عرض می کنم حضرت محدّثه - به فتح دال و کسر آن - هستند؛ با تفاوتی که بین این دو است؛ محدّثه و محدّثه؛ هم اهل حدیث و روایت هستند، و هم فرشته های الهی بر ایشان نازل می شدند و با ایشان حدیث و گفتگو داشتند؛ این خصلت محدّثه بودن حضرت زهرا سلام الله علیها، خیلی خصلت مهمی است که همین عبارتی هم که از حدیث شریف کسا تقدیم شد، دلیل بر همین جهت است.

1.2. اشاره امام رحمه الله به این لقب حضرت در ضمن سخنان شان

خدا رحمت کند حضرت امام رضوان الله علیه ایشان در سخنانی که نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها دارند، می فرمایند: اینکه بعد از رحلت رسول مکرم صلی الله علیه وآله این روایات را داریم که تا ۷۵ روز و یا ۹۵ روز، جبرائیل بر ایشان نازل می شد و این از خصلت های حضرت زهرا سلام الله علیها است؛ این هم باعث این شد که از حضرت، آثار علمی مختلفی به وجود آید؛ یعنی ما آثار علمی و عملی حضرت را، نتیجه محدّثه بودن می دانیم.

1.3. علت نام گذاری حضرت به فاطمه سلام الله علیها، در روایات

فاطمه هستند؛ چون «فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ»، [2] یا «فطمتک بالعلم»؛ [3] یا در روایات امام صادق علیه السلام است یا دوستانش را جدای از آتش می کند؛ [4] اینها همه روایاتی است که مؤید این جهت است.

1.4. خطبه های حضرت زهرا اطهر سلام الله علیها

سه خطبه از خطبه‌های نورانی حضرت را ملاحظه فرمودید؛ خطبه فدکیه، خطبه‌ای که حضرت در بستر ایراد کردند، و سخنانی که در پشت در ایراد کردند، عجیب است؛ و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها هم محدّثه بودند و احادیث فراوانی را از رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کردند و هم محدّثه بودند؛ یعنی جبرائیل بر ایشان نازل می‌شد.

1.5- اشاره به لقب محدثه بودن حضرت در کتب شیعه و اهل سنت

در علل الشرایع مرحوم صدوق ج ۱ ص ۱۸۲، باب ۱۴۶، ح ۱ این عرایض، روایاتش را آورده است.

جناب قرطبی حدود ۴۰۷ نفر اسامی بانوانی را نقل می‌کند که محدّثه بودند که یکی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها است [5].

ابن اثیر، متوفای ۶۳۰ ق، قریب به ۱۰۰۰ نفر از بانوان محدّثه را نقل می‌کند؛ اسد الغابة، ج ۵. قریب به هزار نفر محدثات می‌گویند داریم.

ابن حجر تعداد محدثات را ۱۵۴۵ نفر نام می‌برد [6]. عنایت دارید حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، حضرت زینب سلام‌الله‌علیها هستند و فرزندان و امام‌زاده‌های دیگر؛ عرض ما این است که حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها محدّثه و محدّثه هستند.

1.6- آثار علمی و حدیثی حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها

1.6.1- اثر اول: مصحف و صحیفه فاطمه سلام‌الله‌علیها

نکته دیگر که قابل اهمیت است این است که از آثار علمیه ایشان، مصحف فاطمه و صحیفه ایشان است. مناجات‌ها و دعاهایی که حضرت دارند، قابل اهمیت است.

1.6.2- اثر دوم: حدیث لوح

حدیث لوحی که جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید محضر حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها مشرف شدم؛ دیدم دست ایشان لوح سبزی است که فرمودند: خداوند به رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اعطا کرده که نام آباء و اجداد و فرزندان و شیعیان در آن وجود دارد؛ من مقداری از آن را دست‌نویس کردم. مرحوم کلینی رضوان‌الله‌علیه، در کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ذکری از این جهت دارد. جناب مسعودی، در اثبات الوصیة، ص ۲۶۰، ذکری از این لوح دارند؛ مرحوم صدوق، در عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۴، ذکری از این دارند. نعمانی، در غیبة، ص ۶۲، ذکری از این لوح دارند. بزرگان مثل مرحوم شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن

شهر آشوب در مناقب، شیخ حر عاملی در اثبات الهداة که از آن غفلت نکنید؛ خیلی کتاب عجیبی است که معجزات پیامبر و ائمه علیهم السلام در آنجا هست.

1.6.3- اثر سوم: حدیث کسا

حدیث کسا را ما گردهمایی خمره طیبه می‌دانیم در زیر عبا و کسای رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که آیه تطهیر یعنی آیه ۳۳ سوره احزاب نازل می‌شود. و حدیث کساء هم از مسلمات تاریخ است و نه اینکه یک مرتبه باشد؛ چند مرتبه اتفاق افتاده است.

1.6.3.1- متعدد بودن واقعه حدیث کسا

1.6.3.1.1- واقعه اول

یکی در خانه ام سلمه اتفاق افتاد؛ ترمذی در سنن، ج ۵، ص ۲۵۱، حدیث را نقل می‌کند؛ احمد بن حنبل در مسند، ج ۱۰، ص ۷۷، حدیث کسا را نقل می‌کند.

1.6.3.1.2- واقعه دوم

جای دوم در خانه خود حضرت زهرا سلام الله علیها اتفاق افتاد که بیش از ده‌ها تن از راویان حدیث، این حدیث را نقل کردند. احمد بن حنبل در مسند، ج ۶ ص ۴۵ نقل می‌کند که برای مرتبه دوم در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها اتفاق افتاد.

1.6.3.1.3- واقعه سوم

در مرتبه سوم که اتفاق افتاد، شیخ صدوق در عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۹، و شیخ مفید در اختصاص، ص ۵۶ نقل می‌کنند که حضرت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله برای مباحثه با مسیحیان نجران می‌رفتند، اتفاق افتاد که قبلش، حدیث کسا خواندند و در جمع حاضر شدند؛ خیلی تعبیر عجیبی است.

1.6.3.2- تصریح سید یزدی به حدیث کسا

مرحوم سید یزدی که در فقه زیاد حرف ایشان را می‌زنیم و واقعا سید فقها است؛ این شخصیت مجتهد بزرگوار، هم الهی‌نامه دارد و هم پرسش و پاسخ دارد؛ خیلی انسان وارسته‌ای است؛ حواشی مکاسب دارد، و عروه که بماند که بیش از صدها حاشیه و شرح دارد و کتاب پر فروعی است؛ رضوان الهی بر سید یزدی باد؛ ایشان، نسبت به حدیث کسا در خانه ام سلمه و خانه حضرت زهرا سلام الله علیها تصریح دارد؛ در رساله سؤال و جواب، ص ۴۴۴.

1.6.3.3- توصیه به برگزاری جلسات حدیث کسا برای رفع حواجی

از همه اینها استفاده می‌کنیم که از حدیث کسا غفلت نکنید. در جاهای مختلف هم حدیث کسا نقل شده است؛ حتی برای برآورده شدن حوائج، خیلی مطلوب است؛ به خصوص در این ایامی که دنیا آفت‌زده به این ویروس‌های منحوس شده و بشر کم آورده، می‌توانیم به دامان حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها تمسک کنیم. و من عرض می‌کنم، خاضعانه باید بگوییم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُمْتَحَنَةُ اِمْتَحَنِكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكَ»؛ [7] سلام بر آزموده قبل از آفرینش، قابل دقت است. این حوراء انسیه؛ این ملکی که انسی بود. عرضی که خاضعانه محضر شما دارم، به خصوص در این ایام متعلق به حضرت، توسلات خود را بیشتر کنید؛ در برنامه‌تان قرار دهید که در هر مناسبتی که برای اعیاد یا وفیات هست، و متعلق به بزرگی از بزرگان است، همانند ایام فاطمیه، حالات حضرات، مرور شود؛ نه مرور گذرا، بلکه مروری که اسوه بودن را از حالات ایشان برای خودمان و زن و بچه‌هایمان و بستگانمان استخراج کنیم.

4-3.6.1 توصیه آیت الله بهاء الدینی رحمه‌الله به توسل به حدیث کسا برای رفع مشکلات

خدا رحمت کند استادمان را آیت‌الله‌العظمی بهاء‌الدینی، رحمه‌الله که 6-7 سال محضرشان بودیم؛ ایشان برای رفع مشکلات، همیشه توصیه حدیث کسا داشتند. خانواده و شاگردانتان را با حدیث کسا انس دهید؛ شاگردان و خودتان را با حدیث کسا انس دهید. اینجا جا دارد از اعزهای که روزهای جمعه جمع می‌شوند و زیارت عاشورا و حدیث کسا می‌خوانند تشکر کنیم؛ تقبل‌الله‌مننا و منکم. و ان شاء الله امیدواریم که در کسای نبوت و امامت و رسالت و ولایت، همانطور که در دنیا به ما سرباز امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الشریف می‌گویند، ان شاء الله در آخرت هم، سرباز حضرت باشیم و در کسوت زهرایی، مشمول عنایات ایشان باشیم.

السلام علیک یا فاطمة السلام علیک یا بضعة رسول الله السلام علیک یا ام الحسن و الحسین و یا زوجة ولی الله امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و لا جلعه الله آخر العهد منی لزیارتک.

ان شاء الله همیشه موفق و مؤید باشیم.

2- خلاصه جلسه گذشته

در ادامه مباحث معاملات بورس و انواعی که در بورس واقع می‌شد، از شرط تضمین و معاملات بر معامله و مانند آن بحمدالله به این نتیجه رسیدیم، برخی فروع آن شرعیت دارد؛ اگر ربوی نباشد و اگر شرط مخالف کتاب الله نباشد و دین به دین نباشد.

برخی روایات را خواندیم.

3- مشروعیت تسویه حساب در معاملات آتی و غیر آتی در بورس

فرعی که امروز می‌خواهیم مطرح کنیم، این است که آیا تسویه حسابی که در معاملات آتی یا غیر آن داریم، اینها مشروعیت دارد یا خیر؟

هرچه فروع ظریف‌تر بیان شود، حکم فقهی، خودش را بهتر نشان می‌دهد؛ به تعبیر فقهای بزرگ، تفریع، اولین شرط تبیین و تشریح مسأله است.

3.1- انواع تسویه حساب

3.1.1- تسویه حساب فیزیکی

در تسویه حساب‌ها به طور کلی دو نوع تسویه حساب داریم؛ یک تسویه حساب فیزیکی؛ دو نفر معامله کردند؛ کالاها را با سررسید مشخص، خودش را یا وکیلشان رد و بدل می‌کنند؛ نقل و انتقالی که انجام شد، صد معامله هم بر آن انجام شود، اشکالی ندارد؛ سود که هست و بازاری هم دنبال سود است، اشکالی ندارد.

دقیق‌تر بگوییم؛ جنسی شاید ده دست بچرخد و عاقبت، نفر دهم یا بیستم، جنس را تحویل بگیرد و بیاید؛ شاید نفر اول، به اندک بفروشد؛ ولی دهم، به چند برابر، اگر دچار ربا نشوند، هیچ اشکالی ندارد؛ در فیزیکی خودش یا نماینده یا اشخاص دیگری که کالا را دست به دست کردند، آن را تحویل گیرند.

مثلاً زید با عمرو معامله کردند؛ چه در بازار آتی، چه در بازارهای دیگر؛ گفتند: این پارچه را به این قدر می‌خرم؛ فلان تاریخ آماده کن؛ چه آماده دارد یا بعداً آماده می‌کند؛ پولش را پرداخت کرده است؛ پس یک جهت تصحیح معاملات آتی، به سلم یا سلف بود؛ ده روز یا ده سال دیگر تحویل بدهد؛ در این بین، حالا که می‌خواهد تحویل بگیرد، چند معامله انجام می‌شود؛ آن چندمین نفری که خریدار است، به او می‌گویند: برو کالا را از فلانی تحویل بگیر؛ اشکالی ندارد.

این، تسویه فیزیکی و عینی و خارجی است.

3.1.2- تسویه حساب نقدی

تسویه دیگری داریم که تسویه نقدی است؛ این قابل دقت است؛ متبایعین و بایع و مشتری، در بازار آتی معامله‌گر با کارگزار معاملاتی انجام می‌دهد و سررسیدی را مشخص می‌کند و از روز اول بنا می‌گذارند که تسویه عینی و خارجی و فیزیکی نداشته باشند؛ بلکه تسویه نقدی دارند. در تسویه نقدی کالا سر جای خود محفوظ است و رد و بدل نمی‌شود و اگر هم بشود، اهمیت ندارد. تسویه نقدی مهم است. آیا این جایز است یا جایز نیست؟

3.2- راه‌های مشروعیت بخشیدن به تسویه حساب نقدی

ما گفتیم: خط قرمز این تسویه نقدی این است که دین به دین نباشد.

3.2.1- راه اول: مشروعیت بخشیدن از طریق صلح دین به دین

گفتیم راه خروج از اینکه دین به دین نباشد، این است که از بیع خارج کنیم و بگوییم با تو صلح می‌کنم.

3.2.2- راه دوم: مشروعیت بخشیدن از طریق هبه معوضه

راه دیگر این است که بگویید من به تو می‌بخشم تو هم ببخش. هبه معوضه می‌شود.

3.2.3- راه سوم: تبدیل معامله به دین و ذمه جدید (معامله سلف)، نه معامله دین به دین

راه سوم را که قبلاً گفتیم این است که دین به دین را خرید و فروش نکند تا اشکال داشته باشد بلکه خودش را مشغول به ذمه‌ای کند که آن را تسویه حساب کند. می‌گوید فلانی حال که معامله ما صورت گرفت من بدهکار شدم و تو طلبکار شدی یا عکس آن؛ - فرقی نمی‌کند؛ چون در معامله آتی هم خریدار است و هم فروشنده است و معامله در اختیار معامله هم اختیار خرید و هم اختیار فروش هست. - فلانی این جنس را که معامله کردیم، برو از فلانی تحویل بگیر؛ من که به تو بدهکار شدم، تسویه حساب من نزد فلانی است؛ این معامله دین به دین نمی‌شود؛ با معامله، دینی به وجود می‌آید که باید تسویه شود؛ اگر اینجا دین به دین می‌شد می‌گفتیم فیه اشکال.

می‌گوید: معامله ما تثبیت شد و حال که قرار است به تو جنسی را بدهم، شما تحت عنوان معامله سلف، فردا برو از فلانی تحویل بگیر؛ این اشکالی ندارد.

فرقش با نسیه این است که در نسیه، مدت لحاظ شده است. پس تسویه نقدی، قابل تصحیح است؛ طلبکار و غیر طلبکار است؛ حالا که طلبکار و غیر طلبکار است، تسویه را به تاریخ خاصی موکول می‌کند؛ در تسویه حساب نقدی خریدار، مثنی را که از فروشنده طلبکار است به ذمه فروشنده می‌گذارد و می‌رود و عکس آن هم یعنی در فروش، همین‌طور است؛ اینجا که الآن پول می‌دهد و مثنی را بعد می‌گیرد، معامله سلم و سلف می‌شود؛ مثل جایی که جنس را می‌گیرد و پول را بعد می‌دهد؛ این معامله نسیه می‌شود. اگر هر دو مؤجلین باشند و مؤجلین دین به دین باشد، خط قرمز است؛

4- توصیه به مسئولین بورس نسبت به دقت در جعل قوانین بورس

لذا من تقاضا می‌کنم با این فروع فقهی که امروز گفتیم، کسانی که در بورس فعالیت دارند و بخصوص قانون‌گذاران بورس، دقت در جعل قوانین داشته باشند. اینجا مشکل اینکه بیع، قبل از قبض به غیر بایع، قبل حلول اجل منتقل شود یا قبض به خود بایع باشد بعد از حلول اجل، با هم تفاوت دارد؛ گاهی مدت که دارد، معاملاتی که خرید و فروش می‌شود در تسویه نقدی دین به دین است که بدون شک حرمت دارد؛ ولی گاهی دین به دین نیست؛ از معامله، دینی به وجود آمده و تسویه نقدی هیچ اشکالی ندارد.

5- راهکار خروج از معامله دین به دین، تغییر در مفاد برخی قراردادهای بورس

راه حل دیگر که پیشنهاد دادیم، صلح است؛ یا متخصصین بورس، برخی مفاد قراردادها را عوض کنند و تعهدهای طرفین را به هبه معوضه یا صلح به صلح تبدیل کنند؛ چون صلح کالی به کالی، اشکال ندارد؛ آن که اشکال دارد، بیع دین به دین است؛ دین به دین را نگویند معامله می‌کنیم؛ بگویند مصالحه می‌کنیم. ما علاوه بر شرط ضمن عقد که معتبر می‌دانیم؛ صلح و عهد را هر دو به طور ابتدایی معتبر می‌دانیم.

6- روایات مربوط به صحت تسویه حساب‌های فیزیکی و نقدی

6.1- روایت اول

-وعنه، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن أبان بن عثمان، عن بعض أصحابنا، «عن أبي عبدالله عليه السلام في الرجل يسلم الدراهم في الطعام إلى أجل فيحل الطعام فيقول: ليس عندي طعام ولكن انظر ما قيمته فخذ مني ثمنه، فقال: لا بأس بذلك [8].»

مبنای بعضی این است که اگر سلسله سند روایت به ابن ابی عمیر برسد، حدیث صحیح است کسی سوپر مارکت دارد و جنسی مانند برنج را خرید و فروش کرد؛ قرارداد بستند؛ الآن آمده تحویل بگیرد؛ آن جنس را ندارد؛ چه باید کرد؟ اگر گفت: این طعام نزد من نیست، پولش را بگیر؛ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

اگر کسی جنسی را سلم یا سلف فروخت که پول را الآن می‌دهد؛ و کالا را بعدا می‌گیرد؛ ولی در زمان سررسید فروش می‌گوید: من ندارم؛ (سلم، مقابل نسبه است) این، آیا صحیح است یا خیر؟

می‌خواهیم این استفاده کنیم که تسویه حساب به درهم و دینار و ریال و دلار، و همچنین تسویه حساب سهام‌ها بدون اشکال است.

6.2-روایت دوم

-وعن سهل بن زياد، عن معاوية بن حكيم، عن الحسن بن علي بن فضال، قال: «كتبت إلى أبي الحسن عليه السلام: الرجل يسلفني في الطعام فيجيء الوقت وليس عندي طعام اعطيه بقيمته دراهم؟ قال نعم [9].»

پول می دهد و خوراکی را بعد می خواهد تحویل دهد؛ سر رسید می رسد و طعامی نیست که به آن بدهد؛ می تواند قیمت را به درهم بدهد؟ فرمودند: نعم؛ یعنی اشکالی ندارد. از این می توان استفاده کرد که تسویه حساب نقدی و فیزیکی اشکال ندارد.

این روایت هم عام است.

6.3-روایت سوم

-وإسناده عن الحسين بن سعيد، عن صفوان بن يحيى، عن منصور بن حازم قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: «رجل كان له على رجل دراهم من ثمن غنم اشتراها منه فأتى الطالب المطلوب يتقاضاه، فقال المطلوب: أبيعك هذه الغنم بدراهمك التي لك عندي فرضي، قال: لا بأس بذلك [10].»

ما از همه اینها استفاده می کنیم که این، اشکال ندارد؛ حتی اگر به صورت تقاص هم باشد، اشکالی ندارد.

از مجموع این روایات استفاده می شود که می توانیم تسویه حساب نقدی و غیر نقدی را هر دو داشته باشیم.

7-نتیجه

قراردادهای آتی در بورس، سر رسید مشخص دارند که معاملات مختلفی به صورت فیزیکی یا غیر فیزیکی بر آن انجام می شود؛ مثلاً از شرکتی سهامی می خرد؛ باید تحویل بگیرد، ولی روزانه تسویه حساب می کنند؛ اشکالی ندارد؛ به عبارت بهتر، ذمه ای را به شیء مستحدث و به چیزی جدید بری می کند؛ حالا این شیء جدید، نقدینگی جدید باشد یا اعتبار جدید. - بعداً نظری در اعتباریات داریم، تقدیم خواهیم کرد. - ما همه اینها را جزو حقوقی می دانیم که قابل نقل و انتقال است؛ بهترین تأیید این حقوق هم این روایاتی است که عرض کردیم و همچنین سیره عقلا است؛ ولی می گوئیم: اگر کالی به کالی باشد، اشکال دارد؛ اگر بیعی بود که مشغولیت ذمه آورد، اشکال ندارد؛ صلح یا هبه معوضه بود، اشکال ندارد؛ هر یک می تواند با شرط یا بی شرط، حقس را به دیگری واگذر کند؛ ولو این حق به قول بورسی ها با تعهد باشد؛ یعنی تعهدی که

داده‌اند، ایجاد حق کرده و این حق، قابل مبادله است؛ فقط دین به دین نباشد و شرط مخالف کتاب الله نداشته باشد. پس در معاملات نقدی و غیر نقدی اشکال ندارد.

[1] إحقاق الحق وإزهاق الباطل، التستري، القاضي نور الله، ج ٢، ص ٥٥٦.

[2] الخصال، الشيخ الصدوق، ج ١، ص ٤١٤.

[3] مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، العلامة المجلسي، ج ٥، ص ٣٤٤.

[4] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٤٣، ص ١٨.

[5] الاستيعاب في معرفه الاصحاب، ابن عبد البر، ج ٤، ص ١٨٩٣.

[6] الإصابة في تمييز الصحابة، العسقلاني، ابن حجر، ج ٨، ص ٢٦٢ - ٢٦٧.

[7] كليات مفاتيح الجنان، قمی، شيخ عباس، ج ١، ص ٥٦.

[8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٣٠٥، أبواب السلف، باب ١١، ح ٥، ط آل

البيت.

[9] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٣٠٦، أبواب السلف، باب ١١، ح ٨، ط آل

البيت.

[10] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٣١٢، أبواب سلف، باب ١٢، ح ٤، ط آل

البيت.